

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نذیر دلسوز

۱۷ جولای ۲۰۱۵

اسلام نمائی رانده شدگان از روند تاریخ

زمانی که در کشور کانادا غرض بازدید از آنعهه اعضای فامیل که در آنکشور اقامت دارند رفته بودم . روزی در جمع عزیزان ، سخن از اسلام نمائی خلقی ها ، پرچمی ها، خادیهها وسایر پله بین های جیون و منفعت جو به میان آمد . یکی از نزدیکان خانواده که به تازگی از المان آمده بود گپ هائی در زمینه اسلام نمائی زد . این دوست گفت : « در المان به خانه یک تن از دوستان مهمان بودیم . یکی از کادر های پرچمی که در همان خانه حضور داشت ، طوری نشان داد که گویا از اسلام نمائی رفیق هایش ناراضی می باشد . این پرچمی گفته رفیقش (هاشمی) را اینطور بازتاب داد : «هاشمی صاحب می گوید " به خدا ما تمام مسجد ها را پر کرده ایم " » .

یک تن از خویشاوندان مسن و سالخورده ما که حج هم رفته بود در آن مهمانی حضور داشت . حاجی صاحب رویش را به طرف من دور داده صمیمانه اظهار داشت : « نذیر جان ! شنیدم شما از المان آمده اید . یاد داشتی دارم که آن را با خود آورده ام . این یاد داشت را به یکی دو نشریه برای چاپ فرستادم ؛ متأسفانه کسی آن را چاپ و نشر نکرد . حالا این را به شما می دهم . ببینم شما چه کرده می توانید » . آنگاه کاغذی را که از جیبش کشیده بود ، به من داد . از آن مرد مسن خانواده تشکر کرده، از ایشان پرسیدم : « حالا بخوانمش و یا در خانه که رقتم ... » . حاجی صاحب با تمکین و صمیمیت همیشگی اظهار داشت : «نه در خانه که به خیر رفتید ، آن را با دقت خوانده به کدام جایی برای چاپ روانش کنید » . با تشکر کاغذ را از وی گرفتم . بعد از این که تنها شدم کاغذ قات شده را باز نموده خواندم . به روی آن این مطلب انشاء شده بود :

«ناشر گرامی از مدتها بدینطرف متوجه شده ام که برخی افراد خود غرض و طماع که خودشان را اختیاردارمسجد شریف «امت نبوی» (در تورنتوی کانادا) وانموده کرده اند ؛ به عناوین مختلف از کسانی که عزیزانشان وفات کرده و می خواهند در آن مسجد فاتحه متوفا را بگیرند ، پول های زیاد به طور غیر قانونی اخذ می کنند . مرده دارهای بیچاره که دارای درآمد کم اند و یا به کمک امداد دولت زندگی می گذرانند ، این همه پول را با مشکلات زیادی جمع و جور کرده (یا قرضه سر سود می گیرند ، و یا دوستان شان آن مقدار پول خواسته شده را برای شان می دهند) به جیب این اشخاص "اوقی" و " افسقال " می ریزند . به گونه مثال :

برای فاتحه یک روز فاتحه دار باید مبلغ ۳۰۰ دالر بپردازد .

[هرگاه ۴ فاتحه باشد ۱۲۰۰ دالر باید بپردازند]

هر قاری که برای همان روز استخدام می شود از ۱۵۰ تا ۲۰۰ دالر پول می گیرد .

[۴ نفر قاری برای مسجد موظف است . در صورتی که ۴ فاتحه باشد از ۶۰۰ تا ۸۰۰ دالر مجموعاً به هر قاری پرداخته می شود]

برای خدمه ای که در مسجد امور پاک کاری و نظافت را به عهده دارند ۴۰ دالر می دهد .

[در صورتی که ۴ فاتحه باشد باید هر بافتح دار مبلغ ۱۶۰ دالر بپردازد]

(از طرف حاجی نور محمد) .

بعد ها شنیدم که در اغلب کشورهای غربی اکثراً «اوقی» های مساجد خلقی یا پرجمی و یا خادی می باشد . همین مسأله انگیزه شد که در زمینه آنانی که در زیر پوشش اسلام «مسلمان نمائی» می کنند ؛ سطری چند بنویسم : اسلام واقعی ، اسلام اصلی و راستین را ما در عملکرد های جهادی ها ، بعدش طالبان و در پی آن داعشی ها دیده می توانیم .

مردم افغانستان و ایران که دهها بار فرهنگ بهتر و قویتر از اسلام سفاک تازه پا گرفته از صحرا های بی آب و علف و سوزان در افغانستان و ایران چهارده قرن پیش داشتند ، زمانی که بنا به دلایلی (که طرح و تفسیر و تشریح آن در این مجال نگنجد) دین خفقان آور و ضد زن و تمدن و ضد ارزشهای عالی انسانی ، اسلام تعمیلی و جبار را پذیرفتند . طی ۱۴ قرن این دین خشن تحت تأثیر فرهنگ قوی و ریشه دار تاریخی این سرزمین ها قرار گرفت ، و در بستر زمان های آرام و یا ملتهب تکامل جوامع انسانی و تعویض طبقات حاکمه یکی به جای دیگر و یا دفاع در برابر تجاوزات که به این سرزمین ها صورت گرفت ؛ اصلاحاتی در خطوط فرعی این دین متجاوز و جبار صورت گرفت ؛ به طور مثال : مثله و جمره و سنگسار و بریدن اعضای بدن تا زمان پدر شاه امان الله (امیر حبیب الله خان) در افغانستان وجود داشت ؛ مگر زمانی که شاه امان الله پادشاه شد ، این شخصیت نامور و محصل استقلال افغانستان چنین احکام ضد تمدن و ضد انسانیت را از میان برداشت . کنیز و صورتی و غلامی را ملغا قرار داد . همچنان بریدن دست و سنگسار و

طی چهل سال تداوم سلطنت ظاهر شاه ، ما همه شاهد جلوگیری از یک سلسله تبلیغات برای دین و مذهب بودیم ؛ مثلاً به خاطر سوگوار بودن در ماه محرم ، نخست تا یک ماه سینما ها و تیاتر ها در داخل شهر کابل تعطیل بودند . در کافی ها و چایخانه هم موسیقی پخش نمی شد . سال به سال از مدت تعطیل سینما ها و ... کم و کمتر شده رفت ، تا سوگوار بودن به خاطر « روز کربلا » به دو هفته بعداً به ده روز و تا سه روز رسید و در پی آن به یک روز تعطیل تقلیل یافت .

تا قبل از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ سردار داوود ، شماری از رستورانها در ماه رمضان باز بودند . مردم به آنجا ها رفته غذا می خوردند . در سرک جاده میوند و چنداول (نیش سرک) یک رستوران از برادران هزاره ما (در ماه رمضان) باز بود که به اصطلاح "روزه خورها" در آن جا رفته غذا صرف می کردند . برادران هزاره ما با مشتریان با مهربانی و ادب برخورد می نمودند . هکذا در جاده تیمور شاهی دکان کبابی معروف به « سلیمان کبابی » کباب می داد و « خپ و چپ » مشروب هم می فروخت . همینطور در « خیبر رستوران » و « هتل کابل » و رستوران « رحیم قنات » (صیبت احوالاتی معروف) در مقابل سینما پارک و یک دکان کبابی در آغاز سرک « قیرگوره ها » و برخی رستوران های دیگر در شهر کابل در ماه رمضان محل صرف غذا بودند .

زمانی که داوود خان با کودتا به قدرت دست یافت . در ماه رمضان از فروش مواد طبخ شده در رستورانها ممانعت کرد . کودتای ننگین ۷ثور ۱۳۵۷ ، به خصوص «مرحله نوین آن» (تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان) ، پرجمی ها برای بقایشان تا توانستند دین و مذهب را تقویت کردند ، تا حدی که نجیب - ابن جلاذ خاد - خلاف تعامل پیشین ، برای ملاها و خانواده هایشان اجازه داد که در درون مساجد جای رهائشی برایشان اعمار نمایند . برای

هزاران ملا در سراسر افغانستان پول ماهوار پرداخت شد . شماری از ملا ها غرض تحصیل به شوروی اعزام شدند ، از جمله ملای «مسجد امت نبوی» در تورنتوی کانادا !

دوکتور نجیب که مطابق مشی رهبران خاین و جنایتکار شوروی مسلمان شده بود ، در بیانیه ها و خطابه هایش آیات قرآن را گردان می کرد و برای تثبیت مسلمان بودنش آیات قرآن را ترجمه هم می نمود ! تمام اعضای «حزب دموکراتیک خلق» (منهای چند درصد معدود پرچمی های آن حزب) باقی همه نماز می خواندند . به خصوص زمانی که کابل را ترک گفتند و به کشورهای غربی گویا "پناهنده" شدند .

این رانده شدگان از روند تاریخ ، تا توانستند اسلام نمائی کردند ؛ زیرا که در ترس و هراس بودند از این که عضویت شان در «حزب دموکراتیک خلق» مبادا افشاء شود . اینها زمانی که در کشورهای غربی زیر پوشش "پناهنده" پذیرفته شدند ؛ کماکان به مساجد رفته نماز می خواندند .

خلقی ها و خادی ها گامی جلوتر گذاشته به حج رفتند . خلقی های کودن و جبون ؛ حتا خانم هایشان را به طرز مسخره ای سیاه پوش کردند ؛ قسمی که آنان جهت پوشاندن صورت شان از تکه های سیاه با عینک های دودی استفاده می کردند .

خادی های مکارو بی عار و جنایتکار که قبل از عضویت در خاد مسلمان بودند ، برای خود مسجد ساختند . خادی ها در مسجد خلقی ها نماز نمی خوانند و خلقی ها ؛ حتا برای فاتحه در مسجد خادی ها نمی رفتند (و تا هم اکنون نمی روند) خلقی ها مجلس و تالار عروسی هایشان را «مردانه جدا و زنانه جدا» ساختند .

تمام پناهندگان افغان در کشورهای اروپائی و امریکا و کانادا ، همه اسلام نمائی این جبونان را شاهد بودند. شماری از شعله ئی های مرتد و تسلیم طلب و خاین به مردم هم دست کمی از این ها نداشتند .

یک تن از خویشاوندان خلقی این قلم که در بمبارد بامیان به مثابه مسؤل بی سیم طیاره جنگی گمارده شده بود ، زمانی که به امریکا رسید ، به حج رهسپار شد . نماز خواند و ازدواج دخترانش را با عرب های مسلمان کمال افتخارش وانمود کرد و به خود بالید . خادی ها هم حاجی شدند . خلقی ها ، خادی ها و پرچمی ها هر سه طیف ، ملا های خودشان را توظیف کرده بودند ، تا در مساجد و محافل پیش نماز شوند و بالای قبر مرده هایشان قرآن بخوانند و نصایح لازمه را به خورد حضور یافتگان بالای جنازه بدهند ، تاکسی گمان نبرد که این ها پرچمی و خلقی و خادی اند . در واقع میزان و شدت تبلیغات و خدمات رایگان اینها برای دین اسلام بیشتر از اخوان مکتبی و مزدور بود.